

تحلیل تفصیلی سوره انشراح و ارتباط سوره با واقعه‌ی غدیر خم

جنان اخوان بهبهانی^۱

چکیده :

با تدبر در قرآن مجید آیاتی جلب توجه می‌کند که مفهوم واضح و صریحی از آن به ذهن خطور می‌کند و در عین حال برای درک کامل آن نیاز به مفسر قرآن است تا تفسیر آن معنا را در اختیار ما بگذارد.

سوره انشراح ازین دست آیات است که با تشریح مراحل بعثت پیامبر(ص) و عنایت پروردگار درباره‌ی برترین خلقش می‌باشد. سوره انشراح حاکی از گشایش اساسی در رسالت پیامبر(ص) است و خداوند خبر از انشراح صدر (گشایش سینه) و آسودگی قلب آن حضرت می‌دهد. در این سوره از مسئولیتی عظیم یاد شده که با انجام آن سنگینی از دوش پیامبر(ص) برداشته شده، دوران عسر و سختی پشت سر گذاشته می‌شود و دوران یسر و آسایش فرا می‌رسد. کلید همه این گشایش‌ها علی‌ابن‌ابی‌طالب(ع) است، که آرامش نهایی و مطلق با منصوب کردن او به مقام امامت حاصل می‌شود.

تصمیم داریم این موضوع اساسی تاریخ اسلام و زندگانی رسول اکرم(ص) را از دیدگاه روایات و فرازهای سوره انشراح و انسجام مقام نبوت و ولایت را در مسیر ۲۳ ساله رسالت نشان دهیم.

مطابق برخی روایات اهل بیت علیهم السلام نزول سوره مبارکه انشراح و به ویژه آیه ماقبل پایانی آن به واقعه‌ی غدیر خم و جریان نصب حضرت علی علیه السلام به امام امت اسلام مربوط بوده، تقدیر آیه چنین است : « فاذا فرغت من نبوتک فانصب علیا امما ». اثبات این مطلب در ظاهر با سه چالش جدی روبه‌روست:

الف) فقدان خواستگاه روایی

ب) مکی بودن سوره

ج) هماهنگ نبودن با قرائت

بررسی این سه چالش نشان می‌دهد که ارائه چنین تفسیری از آیه و سوره، نه تنها احتمالی دور نیست که بسیار قابل قبول و مورد توجه می‌نماید، چه:

۱- فارغ التحصیل سطح ۳ حوزه علمیه خواهران؛ جامعه الزهرا(س)

الف) از میان هفده روایت موجود در منابع شیعه و سنی دست کم در دو روایت صحیح‌السند سوره و خصوصاً آیه هفت آن اینگونه تفسیر شده است

ب) سوره مبارکه انشراح به شهادت سیاق آیاتش و تایید صریح و ضمنی شماری مفسران شیعه و سنی مدنی است

ج) آیه در قرائت مشهورش به معنای امر به نصب تناسب بیشتری دارد، اگر چه این تفسیر به معنای خسته شدن در تفسیر مشهور نیز هماهنگ است.

واژگان کلیدی : سوره انشراح، واقعه‌ی غدیرخم، نصب امام علی(ع)

مقدمه:

بیان مسأله

همراهی و همتایی قرآن و اهل بیت علیهم السلام بی‌نیاز از بحث و نظر است چنانکه رسول اکرم(ص) این دو را دو ثقل به ودیعه گذاشته خود معرفی کرده است: « انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا: کتاب الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض » (۱) ، از نمود های این همراهی نزول شماری از آیات و سور قرآن در شأن حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) و حضرت حسن(ع) و حضرت حسین(ع) در عصر نزول است. نیز میتوان اشاره برخی آیات و سوره ها به جایگاه و منزلت اهل بیت علیهم السلام از دیگر نماد های این پیوند به‌شمار آورد.

روش تحقیق

در این مقاله از روش های تحقیقی تاریخی و تحلیلی و کتابخانه ای استفاده شده است.

پیشینه بحث

به هر رو همواره قرآن پژوهان و به ویژه مفسران کلام الهی درصدد تبیین آیات و سور نازل در شان اهل بیت علیهم السلام و یا ناظر به جایگاه ایشان برآمده‌اند.

در زمینه ارتباط واقعه غدیر خم و سوره انشراح تحقیقاتی صورت گرفته است که در ادامه به چند مورد از این تحقیقات اشاره می‌کنیم:

۱- امامت غدیر در سوره انشراح، اثر: محمدباقر انصاری

۲- ارزیابی ارتباط آیه هفتم سوره انشراح با نصب امام علی(ع)، اثر: عباس اسماعیل‌زاده و زهرا آل ابراهیم

این امر به شیعیان اختصاص ندارد و همان‌طور که در ادامه ملاحظه خواهد شد، برخی مفسران اهل سنت نیز در این مسیر سعی‌های مشکوری داشته‌اند. البته بسان همه بحث‌های مورد اختلاف فریقین، در این موضوع افراط و تفریط‌هایی به سهو و یا عمد، در بیان یا بنان عالمان رخ داده است که مواردی خواهد آمد. پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته بود، یا به صورت اجمالی و مختصر بوده و یا تنها به یک آیه پرداخته شده بود و ما به حول خداوند متعال در این بحث درصدد هستیم که با کل سوره به موضوع واقعه غدیر خم بپردازیم.

بخش اول:

أ. انشراح

یک. در لغت

انشراح. [اِشْرَاحٌ] (ع مص) گشاده شدن. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (آندراج) (از اقرب الموارد).
گشاده دل شدن. (تاج المصادر بیهقی) (مصادر زوزنی). گشاده شدن دل. (غیاث اللغات). || (امص)
شادشدگی دل. نفس کشیدن به آزادی. (ناظم الاطباء). گشادگی.

دو. در اصطلاح

انشراح در اصطلاح به معنای گشایش، توسعه، و افزایش ظرفیت است. این واژه از ریشه عربی "شَرَحَ" می‌آید که به معنای باز کردن، گشودن، و وسعت بخشیدن است. انشراح اغلب در زمینه‌های معنوی و روحی استفاده می‌شود و به گشایش و توسعه قلب و روح اشاره دارد.

در زبان فارسی، می‌توان گفت که انشراح به معنای آرامش، راحتی و گشایش در دل و ذهن نیز استفاده می‌شود. این واژه اغلب برای توصیف حالت‌های آرامش‌بخش و افزایش توان و ظرفیت در مواجهه با مشکلات به کار می‌رود.

ب. غدیر

یک. در لغت

غدیر. [غَ] (عِ) آبگیر. آب که سیل سپس گذارد. (منتهی الارب) . آبگیر و تالاب که آب باران و سیل در آن جمع شود و ماند. (غیاث اللغات) (آنندراج). القطعة من الماء يغادرها السيل ، قيل : هو فعيل به معنی مُفَاعِل من غادره ، او مُفَعَل من اغدره ، و يقال : هو فعيل به معنی فاعل لانه يغدر [هله ؛ ای ينقطع عند شده الحاجة اليه. (اقرب الموارد). هر آب بارانی که در گودالی جمع شده باشد خواه بزرگ و خواه کوچک ، و به هر حال به تابستان نمی ماند. (معجم البلدان). پاره ای از آب که از سیل در جایی فراهم آمده باشد. گو که آب در آن گرد آید. گو آب در دشت. شَمَر. (برهان قاطع ذیل شمر .) (اخاذة .) (نصاب) (المنجد). ج ، غُدْر ، اغدره. و گاهی غُدْر جمع غدیر را به تسکین مخفف کنند و غُدْر گویند. (از اقرب الموارد). صاحب منتهی الارب جمع غدیر را غُدْر نیز آورده است و این اشتباه از متن قاموس روی داده است ولی صاحب تاج العروس گوید: در اصول مصححه از قبیل النهایة و اللسان ثابت شده است که جمع غدیر، غدر به ضمتین است ، مانند طریق و طرق ، سبیل و سبل و نجیب و نجب

واژه "غدیر" در لغت نامه دهخدا به معنای حوض، آبگیر و محلی است که آب در آن جمع می شود. به طور خاص، غدیر به مکانی گفته می شود که آب باران یا سیلاب در آن جمع شده و به صورت موقتی یا دائمی در آن باقی می ماند.

دو. در اصطلاح

در متن های تاریخی و اسلامی، واژه "غدیر" به ویژه به "غدیر خم" اشاره دارد که محلی است در نزدیکی مکه و مدینه، جایی که پیامبر اسلام (ص) واقعه مهم غدیر خم را برگزار کرد و حضرت علی (ع) را به عنوان ولی و جانشین خود معرفی کرد.

ج. نصب

یک. در لغت

۱. برپا کردن، برقرار کردن.

۲. گماشتن.

دو. در اصطلاح

در اصطلاح، واژه "نصب" به معنای انتصاب، قرار دادن و تعیین کردن کسی برای یک مقام یا مسئولیت خاص است. نصب در زمینه‌های مختلفی مانند دینی، حکومتی، اداری و حتی نظامی استفاده می‌شود و به معنای منصوب کردن فردی برای انجام وظایف مشخص و معینی در یک جایگاه و مقام خاص به کار می‌رود. برای مثال، در واقعه غدیر خم، نصب حضرت علی (ع) به عنوان ولی و جانشین پیامبر اسلام (ص) به معنای تعیین و منصوب کردن ایشان برای این مقام ولایی و رهبری بود.

بخش دوم: تحلیل سوره انشراح

سوره انشراح که به نام سوره شرح نیز شناخته می‌شود، یکی از سوره‌های مکی قرآن کریم است و شامل ۸ آیه است. این سوره به پیامبر اسلام (ص) نازل شده و او را در برابر سختی‌ها و مشکلات مأموریتش تسلی می‌دهد و به او آرامش قلبی می‌بخشد.

آیات و مفاهیم کلیدی:

آیه ۱: "أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ"

شرح و تفسیر: خداوند به پیامبر اسلام (ص) یادآوری می‌کند که سینه‌اش را برای او گشاده و وسیع کرده است. این به معنای افزایش ظرفیت تحمل و بردباری در برابر مشکلات است.

مفهوم کلیدی: گشایش قلبی و رفع فشارهای روانی.

آیه ۲: "وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ"

شرح و تفسیر: خداوند بار سنگین مأموریت پیامبر را از دوش او برداشته و او را از سنگینی مسئولیت‌ها آزاد کرده است.

مفهوم کلیدی: رفع بارها و مشکلات.

آیه ۳: "الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ"

۱۶/۱۲۸؛ ۱۸/۹۰؛ ۱۹/۱۲۴) و آلوسی (از جمله: ۵/۷۲؛ ۱/۸۴؛ ۶/۲۶۹؛ ۸/۷؛ ۱۲۳؛ ۹/۱۱۸؛ ۱۰/۲۸۷؛ ۱۱/۳۸۹؛ ۱۲/۱۲۵؛ ۱۳/۸۱؛ ۱۴/۴۸؛ ۱۵/۱۴۰). (۲۷) بنابراین به نظر میرسد که دیگر وجهی برای این سخن ابن عطیه و استناد دیگران به این نظر وی باقی نمی‌ماند.

این سخن که آیه در قرائت مشهور باز هم به معنای نصب کردن باشد، احتمالی قابل توجه است و چه بسا تفسیر اینگونه آیه در روایات اهل بیت (ع) نیز به این دلیل بوده است، زیرا از یک سو تتبع کتاب‌های معنای ماده «نَصَبَ» ذکر کرده‌اند (خلیل بن احمد، ۷/۱۳۶؛ جوهری، ۱/۲۲۵؛ ابن منظور، ۱/۷۵۸۹)، لغت نشان می‌دهد که گرچه بعضی هر دو معنای نصب کردن: «أَقَامَهُ» و خسته شدن: «تَعَبَ و أَعْيَا» را در دیگران از میان این دو، معنای اصل را نصب و اقامه کردن چیزی دانسته و متذکر شده‌اند که خسته شدن از لوازم و مصادیق این معناست؛ یا از این جهت که ایستادن موجب خستگی میشود (ابن فارس، ۵/۴۳۴) و یا بدین خاطر که خسته شدن امری غیر منتظره است که مقابل انسان قرار می‌گیرد (مصطفوی، ۱۲/۱۲۹). از سوی دیگر از ابن عباس نیز نقل است که در تفسیر آیه بر اساس دیدگاه مشهور باز هم همان معنای نصب کردن و اقامه را برای فعل «نصب» ذکر کرده است: «چون از نماز فارغ شوی خود را منصوب کن برای دعا (به دعا و تعقیب قیام نما)» (ابو الفتوح رازی، ۲۰/۳۲۶).

تأیید بیشتر این سخن این که همان طور که صاحب تفسیر الفرقان نیز متذکر شده گرچه ماده «نَصَبَ» به معنای خسته شدن (تَعَبَ و أَعْيَا) نیز ذکر شده است، فعل «فَانْصَبَ» صیغه امر این فعل نیست (صادقی تهرانی، ۳۰/۳۵۴)، چه در این صورت با توجه به لازم بودن فعل «نَصَبَ» باید آن را بدین صورت معنا کرد: «خسته شو» که چنین معنا و خطابی روا نیست و اصلاً امر این فعل همانند خود «تَعَبَ» از باب افعال آن ساخته میشود که متعدی است: أَنْصَبَ بَنِي: «مرا به سختی انداخت» (خلیل بن احمد، ۷/۱۳۵؛ چنان که سخن مشهور پیامبر اکرم (ع) درباره حضرت زهرا (س) با این لفظ نیز نقل شده که فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يَنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا» احمد بن حنبل، ۴/۵؛ ترمذی، ۵/۳۶۰؛ حاکم نیشابوری، ۳/۱۵۹). بنابراین فعل امر «نَصَبَ»، «انْصَبَ» میشود و از این رو آیه باید چنین میبود: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَاَنْصَبْ».

نتیجه: گرچه نمیتوان ثابت کرد که در قرائت اهل بیت (ع) آیه به صورت «فانْصَبْ» آمده است، با توجه به این که معنای اصلی ماده «نَصَبَ» اقامه و نصب کردن بوده، خسته شدن از لوازم و مصادیق آن است، میتوان گفت که آیه در قرائت مشهورش [فَانْصَبْ] با معنای امر به نصب و اقامه کردن تناسب بیشتری دارد؛ به ویژه آنکه امر بودن فعل [فَانْصَبْ] برای «نصب» به معنای «تَعَبَ و أَعْيَى» با توجه به معنای لازمی آن دشوار است.

نتیجه گیری

۱. بررسی سیاق آیات سوره که خداوند متعالی با ذکر نعمت‌هایی که به پیامبر اکرم (ص) ارزانی داشته بر ایشان منت می‌گذارد، نشان می‌دهد که این آیات باید در مدینه و در اواخر بعثت پیامبر (ع) نازل شده باشند، چنان که مفسرانی نیز بر این نظرند و البته تبیین دیگر مفسران از این نعمت‌ها و تعیین متعلق محذوف [فَرَعْتَ] نیز همین را تأیید کرده، نظر ایشان در مکی بودن سوره را نقض می‌کند.
۲. در شمار معتنابهی از روایات اهل بیت (ع) آیه بر اساس این معنا تفسیر شده است که دست کم دو روایت از آنها سند صحیح دارند.
۳. ارتباط آیه هفتم سوره مبارک شرح که خداوند متعالی دو امر را متوجه رسول اکرم (ص) ساخته است: [فَإِذَا فَرَعْتَ فَأُنْصَبْ] با جریان نصب حضرت علی (ع) به ولایت به اینکه آنگاه که از نبوت فراغت یافتی، علی (ع) را به امامت منصوب کن.
۴. از میان دو معنای خسته ساختن خود در عبادت پروردگار و نصب کردن به امامت در معنای [فَأُنْصَبْ]، معنای دوم مناسب‌تر است، زیرا هم معنای اصلی ماده «نَصَب» همین است و هم صیغه امر بودن این فعل برای «نَصَب» به معنای منصوب ساختن و اقامه کردن، به دلیل متعدی بودن آن برخلاف معنای لازمی خسته شدن صائب‌تر است. البته در معنای دوم هم که مشهور آن را برگزیده‌اند باز هم آیه می‌تواند بر نصب امام دلالت داشته

باشد؛ به این صورت که خودت را در نصب علی(ع) به سختی بینداز. رنج و زحمت پیامبر اکرم(ع) در نصب علی(ع) به امامت امت اسلامی نیاز به گفتگو ندارد.

ناگفته نماند که باقی گذاشتن آیه بر اطلاق آن که در صدر بحث نیز بدان اشاره شد همچنان بر قوت خود باقی است و به تعبیر برخی حذف دو متعلق آیه از وجوه اعجاز بیانی قرآن بوده، موجب توسعه معنایی آیه شده است (طیب حسینی، ۸۲)، هر چند این اطلاق با ارتباط آیه و سوره به نصب علی(ع) منافات ندارد. البته در صورتی که معتقد باشیم روایات مؤید این احتمال میتوانند مقید و مخصص قرآن باشند، می‌توان از اطلاق آیه دست برداشت که بحث درباره آن مجال و مقال دیگری را می‌طلبد.

در نهایت اگر سوره انشراح را مکی و یا مدنی در نظر بگیریم فرقی در کلیات آن نخواهد داشت چرا که در صورتی که سوره را مکی در نظر بگیریم خداوند از همان ابتدا با اعلام ولایت حضرت علی(ع) به پیامبر اسلام، اطمینان خاطر ایجاد کرده است که پس از شهادت ایشان رهبری جامعه اسلام به دست فردی خواهد که از نظر علمی و اخلاقی شایستگی لازم را دارد.

پی نوشت:

۱. این کلام نورانی در بسیاری از کتابهای روایی فریقین نقل شده است: کتب شیعی، از جمله: الکافی، ج ۲، ص ۴۱۴؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۳۱؛ الاقبال، ص ۴۵۴؛ تحف العقول، ص ۴۲۵؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۹، ۱۰۳، ۲۲۵. کتب عامه، چون: مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۴؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۲ ح ۳۷۸۸؛ المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۶.
۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ۲/۲۲۶.
۳. مجلسی، بحار الانوار، ۳۶/۱۳۳؛ قمی تفسیر القمی، ۲/۴۲۸.
۴. مجلسی، بحار الانوار، ۳۶/۱۳۵، ح ۹۱.
۵. همان، ۳۶/۱۳۳.
۶. ابن شهر آشوب، مناقب، ۲/۲۲۶.
۷. آقا نجفی، تأویل الایات، ۲/۸۱۱.
۸. ابن حیون، شرح الاخبار، ۱/۲۴۵، ح ۲۷۰.

۹. ابن شهر آشوب، مناقب، ۲/۲۲۶.
۱۰. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۶/۱۳۳.
۱۱. ابن حیون، شرح الاخبار، ۱/۲۴۵، ح ۲۷۰.
۱۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ۲/۲۲۶.
۱۳. ابن شهر آشوب، مناقب، ۲/۲۲۶؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ۲/۴۵۱، ح ۱۱۱۶.
۱۴. آقا نجفی، تأویل الایات، ۲/۸۱۱-۸۱۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۳۶/۱۳۳، ح ۸۷.
۱۵. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۶/۱۳۵، ح ۹۱.
۱۶. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۸/۱۴۲، ح ۱۰۵.
۱۷. ابن حیون، شرح الاخبار، ۱/۲۴۵، ح ۲۷۰.
۱۸. ابن شهر آشوب، مناقب، ۱/۲۲۶.
۱۹. حسکانی، شواهد التنزیل، ۲/۴۵۱، پاورقی؛ به نقل از تفسیر کشاف زمخشری.
۲۰. قرطبی، تفسیر القرطبی، ۲۰/۱۰۹.
۲۱. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۶/۱۳۵، ح ۹۱؛ بحرانی، عوالم العلوم، ۳/۱۵۱، ح ۲۲۷. آقا نجفی، تأویل الایات، ۲/۸۱۲، ح ۴.
۲۲. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۶/۱۳۳؛ قمی، تفسیر القمی، ۲/۴۲۸.
۲۳. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۸/۱۴۲، ح ۱۰۵؛ بحرانی، عوالم العلوم، ۳/۱۵۰، ح ۲۲۶؛ کلینی، الکافی، ۱/۲۹۴.
۲۴. بنگرید به: سید علی موسوی دارابی، ۲/۷۲۰ - ۷۷۲.
۲۵. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى السَّمَاءِ فَبَلَغَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَأَذَّنَ جَبْرَائِيلُ وَأَقَامَ فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ صَفَّ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ خَلْفَ مُحَمَّدٍ « کلینی، ۳/۳۰۲ »
۲۶. مطابق شمارش نگارنده استفاده از قرائت جناب زید در تفسیر البحر المحیط نزدیک چهارصد بار است.
۲۷. مطابق شمارش نگارنده استفاده از قرائت جناب زید در تفسیر روح المعانی نزدیک سیصد بار است.

فهرست منابع تحقيق:

- آقا نجفی، محمدتقی بن محمد باقر، تأویل الآيات الباهرات فی فضائل العتره الطاهره، [بی جا]، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۶۴ ش.
- ابن حیون، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الأطهار، تحقیق محمد الحسینی الجلالی، قم، جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب امیرالمؤمنین، تحقیق علی السید جمال اشرف الحسینی، قم، المكتبة الحیدریه، ۱۴۳۲ ق.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الايات و الاخبار و الاقوال، تألیف عبدالله البحرانی الاصفهانی و مستدرکاتها محمد باقر بن المرتضی الموحّد الابطحی الاصفهانی، قم، مؤسسه الامام المهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، بی تا.
- حسکانی، عیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآيات النازله فی اهل البيت صلوات الله و سلامه علیهم، تحقیق محمدباقر المحمودی، [بی جا]، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۲۷ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، اعتنی به و صححه هشام سمیر البخاری، ریاض، دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، اشرف لجنه التحقيق و التصحیح فی المؤسسه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ پنجم، تهران، دار الکتب اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.